

اعلامیه

کنفرانس نهضت آینده افغانستان

۱۱ سرطان ۱۳۹۰ (۲ جولای ۲۰۱۱)

کنفرانس نوبتی نهضت آینده افغانستان به تاریخ ۱۱ سرطان ۱۳۹۰ (۲ جولای ۲۰۱۱) در فضای همبسته گی رفیقانه دایر گردید.

کنفرانس گزارش شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان را که حاوی فعالیت‌های چشمگیر سازمان در جریان چهار سال گذشته بود، مورد تأیید قرار داده، تلاش اعضا و ارگان‌های رهبری سازمان را برای تحقق اهداف مقطعی نهضت آینده افغانستان سودمند و سازنده ارزیابی کرد. کنفرانس وضع کنونی جامعه افغانی و مسایل مربوط به جنبش دموکراتیک و مترقی را به طور همه جانبه مورد تحلیل قرار داده خاطر نشان ساخت:

- انارشی و رکود اقتصادی همراه با دیکتاتوری شبکه بی سیاسی - نظامی گروه‌های جهادی - مافیایی حاکم، زمینه های شیوع فساد را در سراسر نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور فراهم ساخته است. مافیای مواد مخدر چنان شریان‌های قدرت و اقتصاد را در دست دارند، که درآمد سالیانه آن از طریق زرع و قاچاق مواد مخدر بیش از پنج برابر بودجه دستگاه حکومتیست. پیش گرفتن سیاست اقتصادی لجامگسیخته زیرعنوان «بازار آزاد»، ایجاد سهولت‌های بیسابقه برای سرمایه گذارهای خارجی، تخصیص دادن میلیارد‌ها دالر به عنوان بازسازی افغانستان، فعال ساختن بیش از چهارهزار و پنجصد انجو به حیث میکانیزم رفع اصطکاک‌های اجتماعی - اقتصادی، تمویل مستقیم قوای مسلح کشور از سوی امریکا و دیگر برنامه ها و اقدام‌های هدفمند، نتوانستند حداقل پایه های یک اقتصاد سالم ملی را در کشور پیریزی کنند.

نابرابری‌های طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و ژرفتر میشود؛ گرانی، بی سرپناهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه روز افزون دامنگیر بخش‌های بیشتر مردم و خانواده های زحمتکش می‌گردد.

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۲ ملیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ در صد آن بیکار اند.

بازسازی کشور از لحاظ اقتصادی از محدوده شعارهای تبلیغاتی فرا نرفته است، مؤسسات و تصدیهای دولتی که به مردم تعلق دارند، به حراج گذاشته شده اند، ملیونها جریب زمین دولتی و ملکیت‌های عامه به وسیله زورمندان و مافیای زمین غضب گردیده، دهقانان بیدفاع و مالداران مظلوم از بالای زمینها و علفچرهای شان رانده میشوند، قشر میانه حال دهقانان اکثراً به کارگران زراعتی و موسومی و یا کارگران روزمزد تبدیل میگردند.

حدود پنج میلیون انسان کشور به قلت موادغذایی رو به رو اند؛ بیشتر از یک میلیون طفل خورد سال و بیشتر از نیم میلیون زن به دلیل سوء تغذیه با خطر مرگ مواجه اند. پیوندهای قومی، قبیله‌یی، زبانی و سمتی به معیارهای جدی تعلقهای سیاسی مبدل گشته اند. این رویکرد به روابط شجره‌یی، گواه دیگری از تناقضهای بنیادی در افغانستان است که خود مانع انکشاف متوازن اقتصادی - اجتماعی، پیشرفت، و ترقی می گردد.

- پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان که در چوکات پیمان استراتژیک نظامی بین حاکمیت کنونی و امریکا ایجاد خواهند گردید، اگر ممکن از یک سو عرصه را بر تاخت و تاز های نظامی پاکستان و ایران تنگ سازند، از سوی دیگر به حیث نمایه های صریح اشغال و چشمه های مشتعل تشنج آفرینی و ارباب در منطقه عمل خواهند کرد. مردم افغانستان باید راه حل دیگری را جستجو کند که هم به برچیده شدن پایگاهها بینجامد و هم مانع دست درازیهای نظامهای ارتجاعی ایران و پاکستان گردد، یعنی باید به اساسگذاری یک دولت ملی که ماهیت واقعاً دموکراتیک داشته باشد، پردازد.
 - موضوع شرکت دادن طالبان در حاکمیت کشور با تبلیغات وسیعی مطرح گردیده است. حاکمیت پاکستان توانست حفظ منافع استراتژیک آن کشور را در افغانستان به حیث یکی از مطالبات غیر قابل عدول، بر سیاست کاخ سفید تحمیل نماید.
- کمک ۲۰ میلیارد دالر امریکایی در جریان پنج سال گذشته به پاکستان و گذشت در برابر سیاست دو چهره‌یی اسلام آباد، در چوکات طرحی روی میدهند که زمینه را برای اجرای سیاستهای واشنگتن فراهم میسازد. امریکا و هم پیمانان آن در ناتو بالاخره پی برده اند که حضور گستردهء نظامی آنها در افغانستان به سود منافع بلند مدت آنها در منطقه نیست. بر این اساس ناتو در نظر دارد بخش بزرگ قوای خود را از کشور برون

کند ، پایگاههای نظامی پایدار را در افغانستان جهت کنترل اوضاع سیاسی - نظامی منطقه ایجاد نماید، منافع استراتژیژیک اسلام آباد را از طریق شرکت دادن مستقیم طالبان در حاکمیت افغانستان، ضمانت نماید، نفوذ هند را به حیث ابر قدرت آینده جهانی در افغانستان محدود سازد، از مصارف گزاف نظامی خود بکاهد و به ذهنیت عامه کشور های ناتو و جهان که جداً خواهان خروج قوای ناتو از افغانستان اند، پاسخ مثبت دهد.

همه این اقدامات و طرحها، خارج از اراده و خواست مردم افغانستان راه اندازی میشوند. استقرار نظام دموکراتیک در افغانستان و دفاع از حقوق زنان و کودکان افغانستان که شعارهای اولیه ناتو برای لشکر کشی در افغانستان بودند تا حاکمیت طالبی - القاعده را برچینند، به حیث «بزرگترین تزویر» در تاریخ قرن بیست و یکم باقی خواهد ماند. تدام جنگ و بی امنیتی، بهانه های خوبی اند که حاکمان امروز کابل و حامیان ناتوی آنها برای توجیه وضع اسفبار زنده گی مردم پیش میکنند. آیا حاکمیت جهادی چیزی بهتر از حاکمیت طالبی انجام داده است که بتوان بر اساس آن از یکی در برابر دیگری دفاع کرد؟ اما پایان جنگ و استقرار گونه یی از آرامش در کشور، به مردم مصیبت زده ما فرصت تنفس خواهد داد تا وسایل سیاسی را برای متبازر ساختن و به کرسی نشاندن مطالباتش به وجود آورد. چپ افغانی نباید در دام تبلیغات ناسیونالیستی و به ظاهر میهنپرستانه این یا آن گروه وابسته به ایران و روسیه بیفتد و نباید از خط استراتژیژیک مبارزه اش که تقابل با ارتجاع افراطی قرون وسطایی و ارتجاع نوین است، منحرف گردد. کنفرانس تجمع نیرو های مترقی و دموکراتیک را در یک اتحادیه سیاسی یکی از ضرورت های اساسی برای شکل یک الترناتیف دموکراتیک به وضعیت کنونی ارزیابی کرده ، سازمانهای مترقی را به این امر مبرم دعوت میکند.

کنفرانس انکشاف ساختاری سازمان را باوجود پیشرفتهای قابل ملاحظه هنوز ناکافی ارزیابی کرده روی این نکته تأکید کرد که نیرومندی جنبش مترقی کشور با تحکیم مواضع نهضت آینده افغانستان و گسترش کمی آن پیوند دارد. بر بنیاد تجربه دهه گذشته کنفرانس تأکید کرد که تقویت کمی و کیفی نهضت آینده افغانستان یگانه ضامن پیشروی جنبش مترقی در افغانستان است ، لهذا از تمام هواخواهان و رفقای دور مانده از نهضت آینده افغانستان که خود

را با اندیشه های جهانبینی علمی، معنویت انقلابی و آرمانهای زحمتکشان افغانستان همپیوند احساس میکنند، دعوت میکند تا به نهضت آینده افغانستان بپیوندند و این کانون پیشتاز و اصیل چپ افغانی را نیرومند تر سازند. به هر اندازه یی که رشد نهضت آینده افغانستان سرعت بگیرد به همان پیمانانه سنگر دادخواهی قوت گرفته، جایی برای ترقی در وضعیت سیاسی کشور باز میگردد.